

Study the Limits of Police Authority in Inspecting the Accused Car and Mobile Phone in the Criminal Law System of Iran and the United States

Javad Salehi¹

Abstract

Field and Aims: The relationship between privacy and police restrictions on vehicle and cell phone inspections is one of the most important issues in the criminal law of Iran and the United States. However, justifying the preservation of criminal reasons along with maintaining the security of the police in the rule of investigation after the arrest of the accused has made the requirements of the privacy of the accused a secondary priority. The purpose of this study is to investigate the impact of car and cell phone privacy requirements on the rule of physical search after the arrest of the accused in the criminal law of Iran and the United States.

Methodology: The present study is based on a descriptive and analytical method and based on library documents and resources. In this regard, the regulations and documents related to the limits and powers of the police in inspecting vehicles and mobile phones in the Iranian and US legal systems have been reviewed.

Findings and Results: The spirit of Iran's criminal law implies the prohibition of the police in the initial detection of a crime and in the first instance in the investigation of an intangible crime outside the judicial license and unrelated to the crime. However, the United States police, without distinction, inspect the objects seized by the accused immediately after her/his arrest and extends the scope of the inspection without a separate judicial authorization to other possible offenses unrelated to the offense of origin and to the privacy of the vehicle and telephone of the accused. While the conduct of the police as a whole has not been confirmed in the United States jurisprudence, there is no single position on the matter.

Keywords: Privacy, Car, Mobile Phone, United States Police, Iran Criminal Law System.

1. Associate Professor of Payam-e-Noor University, Tehran, Iran.

Javadsalehi@pnu.ac.ir



مطالعه حدود اختیارات پلیس در بازرسی خودرو و تلفن همراه متهم در نظام حقوق کیفری ایران و ایالات متحده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۸

جواد صالحی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: ارتباط میان حریم خصوصی و محدودیت پلیس در بازرسی خودرو و تلفن همراه متهم از موضوعات مهم در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده است. لیکن، توجیه حفظ دلایل مجرمانه در کنار حفظ امنیت پلیس در قاعده بازرسی پس از دستگیری متهم باعث شده است تا الزامات حریم خصوصی متهم در اولویت ثانوی قرار گیرد. هدف از این پژوهش، بررسی تاثیر الزامات حریم خصوصی خودرو و تلفن همراه بر قاعده بازرسی بدنی پس از دستگیری متهم در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده است.

روش: تحقیق حاضر بر اساس روش توصیفی و تحلیلی و بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است و در این راستا، مقررات و اسناد مربوط به حدود و اختیارات پلیس در بازرسی خودرو و تلفن همراه در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده بررسی شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: روح حاکم بر قوانین کیفری ایران حاکی از ممنوعیت پلیس در کشف ابتدایی جرم و به طریق اولی بازرسی در جرم غیرمشهود و خارج از مجوز قضایی و بی‌ارتباط با جرم مشهود است. لیکن، پلیس ایالات متحده بدون تفکیک به بازرسی اشیاء در تصرف متهم بلافاصله پس از دستگیری وی اقدام می‌کند و دامنه بازرسی بدون مجوز قضایی جداگانه را به سایر جرایم احتمالی غیرمرتبط با جرم منشاء و نسبت به حریم خصوصی خودرو و تلفن همراه متهم بسط می‌دهد. در حالی که کلیت این رفتار پلیس در رویه قضایی ایالات متحده تایید نشده است، لیکن موضع واحدی هم در این ارتباط وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: حریم خصوصی، خودرو، تلفن همراه، پلیس ایالات متحده، نظام حقوق کیفری ایران.

۱. دانشیار گروه حقوق دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. Javadsalehi@pnu.ac.ir



حریم خصوصی برگرفته از بنیادی ترین حق های حقوق بشری است و تجاوز به آن، به معنای نادیده گرفتن ارزش های انسانی است. حریم خصوصی، بخشی از ساحت زندگی انسان شامل تن، اموال و محل زندگی و اشتغال وی است که به لحاظ ارتباط مستقیم با الزامات حقوق بشری و ارزش های انسانی مشمول حمایت کیفری قرار گرفته است. اصل بر مصونیت تن و اموال از بازرسی است، مگر این که توجیه نقض آن به اعتقاد برخی پس از دستگیری مظنون به ارتکاب جرم حاصل شود (میخایل^۱، ۲۰۱۰: ۹۰۵). ضرورت کشف و ضبط دلایل یا عواید مجرمانه در اختیار یا تصرف متهم پس از دستگیری وی، جواز بازرسی بدنی و اموال وی است. بازرسی بدنی متهم از سوی پلیس یکی از مولفه های اعمال قانون برای حفظ نظم و امنیت عمومی و مستثنی از حمایت حقوق کیفری است. وقوع جرم مشهود یا مجوز خاص قضایی، منجر به دستگیری متهم از سوی پلیس می شود. پس از آن، بنا به ضرورت بازرسی بدنی و ضبط موقت اموال تحت کنترل وی صورت می گیرد، مشروط به این که از این اموال در جرم استفاده شده باشد یا با جرم مرتبط باشند. در غیر این صورت، بازرسی بدنی متهم منجر به ضبط اموال در اختیار یا تصرف متهم نمی شود، وقتی که میان آنها و جرم مشهود ارتباط منطقی برقرار نیست.

اما پلیس ایالات متحده در جرم رانندگی در حالت مستی یا رانندگی با گواهینامه ابطال شده به بازرسی بدنی راننده و خودرو وی می پردازد، با این استدلال که ممکن است متهم اسلحه همراه داشته باشد و امنیت پلیس را به خطر بیندازد. این رویکرد ناشی از فلسفه بازرسی بدنی پس از دستگیری متهم است که شامل خلع سلاح متهم توأم با کشف و حفظ دلایل مجرمانه می باشد. بر این اساس، پلیس زمانی می تواند به بازرسی خودرو بپردازد که احتمال دسترسی راننده آن به اشیاء خطرناک برای امنیت پلیس یا دلایل مجرمانه بیشتر برای از دسترس خارج کردن پلیس در جرایم مشهود وجود داشته باشد. در جرم رانندگی در حالت مستی هیچ ارتباطی میان بازرسی خودرو برای کشف مشروبات الکلی وجود ندارد، چراکه

1. Michael.



خرید یا نگهداری مشروبات الکلی در ایالات متحده جرم نیست، لیکن رانندگی پس از مصرف آن با ممنوعیت مواجه است. با وجود این، پیاده کردن راننده از خودرو و بازرسی بدنی وی در این شرایط برای حفظ امنیت پلیس موجه است. این وضعیت با دسترسی بیشتر مردم در ایالات متحده به سلاح گرم نیز منطبق است. لیکن، بازرسی تلفن همراه متهم با استدلال حفظ امنیت پلیس یا احتمال وجود دلایل مجرمانه بیشتر هم‌خوانی ندارد، وقتی که جرم مرتبط با تلفن همراه مفقود است. پلیس پس از ضبط تلفن همراه متهم نیازمند مجوز خاص قضایی است تا بتواند به منظور کشف دیگر دلائل مجرمانه به بازرسی محتویات تلفن همراه متهم بپردازد. دلیل توقف خودرو در اینجا فقط رفتار نامتعارف راننده در هدایت آن بوده است. تست الکل، دلیل مورد نیاز برای اثبات جرم راننده است. برای این جرم نیازی به ضبط و بازرسی تلفن همراه متهم نیست. لیکن، ضبط و بازرسی تلفن همراه متهم از سوی پلیس ایالات متحده در سال‌های اخیر متکی به استدلال متضاد است. این رویکرد ناقض الزامات حریم خصوصی متهم است. رویه قضایی ایالات متحده به طور کلی موید این رفتار پلیس است. در حالی که مشروعیت بازرسی تلفن همراه متهم پس از دستگیری وی بدون مجوز خاص قضایی با تردیدهای جدی مواجه است.

تلفن همراه متهم، حاوی اطلاعات گسترده خصوصی وی است. مبانی فلسفی بازرسی بدنی و متعلقات متهم پس از دستگیری وی در رویه قضایی دیوان عالی ایالات متحده به بیش از یک قرن قبل و بر اساس مصادیق قدیمی شامل اشیاء حاوی اشیاء دیگر مانند چمدان، کیف و ساک تعلق دارد.^۱ پلیس تاکنون با اتکاء به استدلال‌های قدیمی و بدون تفکیک به بازرسی کلیه متعلقات متهم پرداخته است و در سال‌های اخیر هم این رویه را به تلفن همراه متهم تسری داده است. در حالی که مقتضیات بازرسی تلفن همراه با مقتضیات بازرسی کیف در تصرف متهم متفاوت است، پرواضح است که پلیس ایالات متحده با استناد به جرم مشهود و حفظ امنیت خود به فرض احتمال، وارد قلمرو جرایم غیر مشهود و دلایل موید آن در تلفن همراه متهم می‌شود. اما در حقوق کیفری ایران وضعیت متفاوت است، اگرچه احتمال وقوع آن بعید هم نیست. کشف جرم در جرایم غیر مشهود از اختیارات پلیس ایران تلقی نشده است.

1. Weeks v. United States, 1914: 392.



بازرسی بدنی متهم پس از دستگیری وی برای حفظ امنیت پلیس و جلوگیری از نابودی یا اختفاء دلائل مجرمانه به اتهام جرم مشهود یا با مجوز خاص قضایی در جرایم غیرمشهود در قانون آیین دادرسی کیفری تجویز شده است و رویه پلیسی و قضایی ایران نیز به همین سمت رفته است. البته، یک دلیل محدودیت پلیس ایران در این رابطه، ممنوعیت حمل سلاح گرم برای عموم مردم است. مردم در اکثر موارد سلاح ندارند و سلاح هم حمل نمی کنند. حمل سلاح بدون مجوز قانونی، جرم مشهود است و پلیس ایران در مقابله با آن از امتیازات جرم مشهود برخوردار است. در ایالات متحده این وضعیت برعکس است. حمل سلاح گرم، جرم نیست و به طریق اولی، پلیس برای مقابله با آن از امتیازات جرم مشهود برخوردار نیست. لذا، پلیس ایالات متحده برای بازرسی بدنی و خلع سلاح متهم ناگزیر از توسل به دیگر قواعد حقوقی است. قاعده حقوقی «بازرسی پس از دستگیری متهم»^۱ یکی از این سازوکارها است. تشتت آراء در رویه قضایی دیوان عالی ایالات متحده راجع به اعمال قاعده بازرسی متهم پس از دستگیری وی مشهود است.^۲ رویه قضایی ایالات متحده در این رابطه مبتنی بر مبانی متعارض است که به صورت توأمان در قلمرو حریم خصوصی خودرو و تلفن همراه متهم کاربرد ندارند. برخی از شعب دیوان عالی ایالات متحده با نگرش اخیر موافق هستند، لیکن برخی دیگر این نظریه را قبول ندارند.^۳ به نظر می رسد رویکرد گروه اول از شعب دیوان عالی ایالات متحده مشابه حقوق کیفری ایران است. حقوق کیفری ایران قائل به ایجاد محدودیت برای پلیس در مصادیق جدید است. پلیس ایران نمی تواند در مصادیق نوظهور با استدلال های قدیمی رفتار کند، مگر این که سیاست کیفری جدید مقنن آن را ایجاب کند. در این پژوهش تلاش می شود تا به این سوال پاسخ داده شود که تاثیر الزامات حریم خصوصی خودرو و تلفن همراه بر قاعده بازرسی بدنی پس از دستگیری متهم در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده چیست؟ بایسته های حریم خصوصی خودرو و تلفن همراه در حقوق کیفری و رویه قضایی ایالات متحده، الگویی تجربه شده و دارای دست آوردهای چشمگیری برای استخراج وجوه اشتراک آن با حقوق کیفری ایران و پر کردن خلاءهای احتمالی پیش رو و پرهیز از رویکردهای

1. Search Incident to Arrest.
2. United States v. Wurie, 2013: 12.
3. State v. Smith, 2009: 163.



تجربه‌شده در دانش حقوق تطبیقی است. بر این اساس، ابتدا به حریم خصوصی و تحولات بازرسی بدنی پس از دستگیری، در ادامه به محدودیت بازرسی بدنی متهم از سوی پلیس ایران و ایالات متحده و سپس، به قاعده رد ادله حاصل از بازرسی فراقانونی پلیس ایران و ایالات متحده می‌پردازیم.

۱) حریم خصوصی و تحولات بازرسی بدنی پس از دستگیری

پیدایش فن‌آوری‌های نوین از پدیده‌های اجتماعی می‌باشد. رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی الکترونیک جزء لاینفک ارتباطات اجتماعی هستند. ارتباطات خصوصی متکی به ابزارهای الکترونیک با دیگران در قلمرو حریم خصوصی قرار می‌گیرند. حریم خصوصی و صیانت از آن در فضای الکترونیک از چالش‌های فراروی حوزه فن‌آوری اطلاعات است. استفاده وسیع از دست‌آوردهای فن‌آوری جدید در زندگی اجتماعی موجب نگرانی‌هایی شده است که با الزامات حریم خصوصی در ارتباط است (صالحی، ۱۳۹۳: ۱۴۶). بسط و گسترش فن‌آوری الکترونیک زمینه افزایش امکان نفوذ هر چه بیشتر به حریم خصوصی اطلاعات افراد را فراهم کرده است (برای مطالعه بیشتر در این رابطه ن.ک. پورقهرمانی و صابر نژاد، ۱۳۹۴: ۶۶). حریم خصوصی ارتباطاتی در فضای سایبر مبتنی بر ایجاد، پردازش و انتقال داده‌ها صورت می‌گیرد. فضای سایبر، بستری است که در آن مجموعه‌ای از ارتباطات انسانی از طریق رایانه و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی شکل می‌گیرد که زمینه را برای بین‌المللی شدن آن به مراتب آسان کرده است. بین‌المللی شدن بزهکاری، خاص جرایم سایبری نیست، اما از یک طرف، بنا به سهولت ارتکاب این جرایم از هر نقطه مکانی و تأثیر آن در مناطق مختلف، مساله دسترسی به متهم آن اهمیت بیشتری دارد (رضوی فرد و موسوی، ۱۳۹۶: ۹۵). از طرف دیگر، تجلی جایگاه حقوق شهروندی و چگونگی صیانت از الزامات آن در حوزه حریم خصوصی الکترونیک، یکی از شاخصه‌های دولت‌های مردم‌سالار است.

این الزام ناشی از بایسته‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر (ر.ک. ماده ۱۹) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ر.ک. ماده ۱۷) است که در حوزه حریم خصوصی نسبت



به فن آوری‌های نوظهور و تحولات آن نیز تسری دارد (لاند^۱، ۱۳: ۲۰۳۹۴). از این رو، باید با تدابیر حقوقی مناسب به حمایت از حریم خصوصی الکترونیک افراد پرداخت که در معرض تهدید جدی قرار دارد. قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳) با تصریح به شرح وظایف پلیس، دادسرا و محاکم جلوه‌ای از حمایت‌های قانونی در نظام حقوق کیفری ایران است که در ارتباط با لزوم رعایت حریم خصوصی افراد با ضمانت‌اجراء لازم در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) و ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ۱۳۷۵) توأم شده است. این قوانین در قلمرو حریم خصوصی تلفن همراه و خودروی متهم نیز کاربرد دارند. لیکن، کشف جرم و تعقیب آن از سوی پلیس برای حفظ امنیت اجتماعی تابع مقتضیات دیگری است (برای مطالعه بیشتر در این رابطه ن.ک. صالحی، ۱۳۸۹: ۹۵). بازرسی متهم به ارتکاب جرم مشهود یا با مجوز خاص قضایی پس از دستگیری وی یکی از این ضرورت‌ها است که در حقوق تطبیقی تحت عنوان «قاعده بازرسی پس از دستگیری» سابقه طولانی دارد. قاعده بازرسی پس از دستگیری برای اولین بار در ایالات متحده شناسایی شده است.^۲

مجوز بازرسی متهم پس از دستگیری وی بر دو پایه فلسفی به صورت توأمان استوار است. پلیس برای (۱) کشف و حفظ دلائل مجرمانه و (۲) خلع سلاح متهم می‌تواند به بازرسی بدنی وی بپردازد.^۳ کما اینکه اگر شخصی به خاطر ارتکاب جرمی دستگیر شود، ارائه اشیاء غیرقانونی یافت‌شده در بازرسی بدنی از وی برای اثبات جرم وی لازم هستند. لذا، پلیس اجازه دارد تا بدون داشتن مجوز خاص به بازرسی بدنی مرتکب جرم مشهود بپردازد و دلائل یا عواید جرم را کشف و ضبط نماید تا به همراه متهم در اختیار مقام قضایی دهد. این وضعیت در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری تایید شده است تا اینکه پلیس پس از بازرسی بدنی متهم به جرم مشهود بتواند آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم را حفظ کند. این رویه به خودرو متهم نیز تسری یافته است، مشروط به این که احتمال یافت شدن اشیاء غیرقانونی در خودرو وی وجود داشته باشد. پلیس حق دارد در جرایم مشهود و با ظن قوی بر کشف و ضبط دلائل

1. Land.

2. Weeks v. United States, 1914: 392.

3. Weeks v. United States, 1914: 393.



مثبت وقوع جرم به بازرسی خودرو بپردازد، بدون اینکه نیازی به اخذ مجوز جداگانه از مقام قضایی داشته باشد. لیکن، این فرمول را نمی‌توان به تلفن همراه متهم تسری داد. اختیارات پلیس ایران در حقوق کیفری تنها محدود به مقررات قانونی است که در جرایم غیر مشهود متکی به مجوز قضایی به صورت موردی است.

پلیس ایران برای بازرسی اماکن یا خودرو متهم محدود به دستورات قضایی و موارد مصرح در مجوز مقام قضایی است. این وضعیت در رویه پلیس مبارزه با مواد مخدر یا قاچاق کالا در ایران (برای مطالعه بیشتر در این رابطه ن.ک. فتحی و امیر حاجلو، ۱۳۹۷: ۳۸۴) نیز در مبادی ورودی برخی از شهرها بر همین اساس و مطابق با مجوزهای خاص قضایی شکل گرفته است. عبور و مرور از این مبادی در صورت وجود ظن قوی به حمل قاچاق با بازرسی از خودرو و متعلقات در تصرف متهم توأم است. اما این بازرسی متکی به مجوزهای قضایی در آن محل و مامورین مستقر در آن ایستگاه‌ها منوط به ظن قوی یافت شدن دلایل مجرمانه است. بازرسی تلفن همراه متهم که از او مواد مخدر یا کالای قاچاق کشف شده است، نیز برای کنترل تماس‌های ورودی یا خروجی متهم در همین مبادی با توجیه شناسایی همدستان احتمالی آنها نیز موجه است، اگرچه هیچ ضابطه‌ای برای محدودیت پلیس در این رابطه وجود ندارد. در این شرایط، ارتباط میان جرم مشهود و ضرورت بازرسی تماس‌های تلفن همراه متهم برای دیگر جوانب جرم مشهود از جمله شناسایی صاحبان قاچاق که در مقصد منتظر حامل هستند یا شریک و معاون جرم برقرار است. البته این وضعیت نافی ضرورت وجود ضوابط قانونی بازرسی محتویات تلفن همراه متهم و محدودیت‌های پلیس در این رابطه نیست. به همین دلیل، پلیس در سایر مناطق شهری از چنین امتیازی برخوردار نیست، مگر اینکه جرم مشهود باشد یا اینکه مجوزی به صورت خاص در اختیار وی قرار گرفته باشد. این وضعیت در رابطه با بازرسی پلیس از محتویات تلفن همراه مردم به ظن جرایم احتمالی به مراتب تشدید می‌شود و با ممنوعیت مواجه است.

پلیس ایالات متحده امتیاز قاعده بازرسی بدنی پس از دستگیری متهم را به تلفن همراه وی تسری داده است. تلفن همراه، حاوی اطلاعات خصوصی و شخصی است. جامعه این وسیله را به عنوان جلوه‌ای نوین از حریم خصوصی افراد شناسایی کرده است. تلفن همراه



متهم پس از دستگیری وی در اکثر موارد از سوی پلیس به دلیل بی ارتباط بودن احتمالی اطلاعات ذخیره شده در تلفن همراه با اتهام موجد دستگیری وی نباید مورد بازرسی قرار گیرد. این استدلال در رویه قضایی ایالات متحده نیز تایید شده است.^۱ بر همین اساس، بازرسی محتویات تلفن همراه متهم پس از دستگیری وی غیرمجاز اعلام شده است، چراکه تلفن همراه به اعتقاد برخی مشمول تعریف شی حاوی شی دیگر مانند کیف، ساک و چمدان نیست (پارکر، ۲۰۱۲: ۴۳۹). صرف ضبط تلفن همراه متهم پس از دستگیری وی از سوی پلیس کفایت می کند تا پس از آن مجوز قضایی برای بازرسی محتویات آن دریافت شود. اما عملکرد پلیس ایالات متحده فراتر از این الزام است. به نظر می رسد پلیس ایالات متحده معتقد است که بازرسی متعلقات متهم به جرم مشهود پس از دستگیری وی برای حفظ امنیت خود و کشف دلایل مجرمانه احتمالی است. تلفن همراه متهم از این بازرسی مستثنی نیست. این در حالی است که استدلال بازرسی تلفن همراه متهم به عنوان ابزار وقوع جرم بدون نیاز به مجوز جداگانه از مقام قضایی مقبولیت ندارد. میان تلفن همراه حاوی اطلاعات الکترونیک با شی حاوی اشیاء دیگر تفاوت فاحش وجود دارد. تلفن همراه را در حالت معمول نمی توان شی مادی با قابلیت دربرگرفتن محتویات مادی خطرناک برای امنیت پلیس تلقی کرد. لذا، قاعده بازرسی پس از دستگیری متهم به تلفن همراه وی تسری ندارد. تلفن همراه و کارکرد معمول آن دربرگیرنده اطلاعاتی در قالب اعداد، ارقام و نقوش است که شباهتی به محتویات یک شی مانند کیف و چمدان ندارد که می تواند اشیاء خطرناک مانند بمب یا مواد منفجره را در خود جای دهد. لذا، پلیس در صورت ظن قوی مجاز به ضبط گوشی تلفن همراه متهم پس از دستگیری وی می باشد، اما برای بازرسی محتویات آن نیاز به مجوز جداگانه ای از مقام قضایی دارد.

پلیس به صرف داشتن مجوز وقوع جرم مشهود برای ضبط تلفن همراه متهم، مجاز به بازرسی محتویات آن بدون مجوز مخصوص مقام قضایی نیست؛ چراکه توجیه خطرات ناشی از تصرف و کنترل متهم بر آن منتفی است، زمانی که گوشی در اختیار پلیس قرار می گیرد.

1. State v. Smith, 2009: 163.
2. Parker.



فوت وقت تا اخذ مجوز خاص از مقام قضایی برای بازرسی محتویات تلفن همراه متهم در اکثر موارد منتفی است، مگر اینکه حسب مورد فوریت آن منطقی و قابل توجیه باشد. لیکن، پلیس ایالات متحده معتقد است که با بازرسی تلفن همراه متهم از فوت وقت و احتمال از بین رفتن اطلاعات مجرمانه ضبط شده در آن جلوگیری می کند. این در حالی است که تئوری سنتی تجویز بازرسی بدون مجوز جداگانه صرفاً به قسمت های تحت کنترل مستقیم و فوری شخص در لحظه دستگیری وی محدود است که ممکن است متهم از اسلحه موجود برای آسیب زدن به پلیس استفاده کند یا دلائل جرم در این قسمت ها را به محض دستگیری از دسترس پلیس خارج یا نابود کند. تلفن همراه متهم ولو اینکه ممکن است در قسمت های تحت کنترل مستقیم و فوری خودرو یا محل کسب و کار وی قرار داشته باشد، لیکن از آن به عنوان اسلحه استفاده نمی شود و امکان حذف محتویات آن وجود ندارد، وقتی که از تصرف متهم خارج شده است. بر این اساس، پلیس از بازرسی محتویات تلفن همراه متهم دستگیر شده با چنین توجیهاتی بدون اخذ مجوز جداگانه از مقام قضایی منع شده است. این وضعیت نسبت به عملکرد پلیس ایران نیز صادق است، ولو اینکه اجرای دقیق آن باعث عدم امکان دستگیری فوری صاحبان قاچاق یا معاون و شریک جرم در کشفیات مواد مخدر از حامل آن ذیل شرایط جرم مشهود شود. کشف مواد مخدر ذیل شرایط جرم غیر مشهود که منوط به کسب مجوز خاص قضایی است، تابع شرایط مندرج در مجوز قضایی است که چه بسا بازرسی خودرو، محل اقامت و تلفن همراه متهم را نیز دربرگیرد. دستگیری صاحب قاچاق یا معاون و شریک جرم در محل و زمانی غیر از محل دستگیری حامل مواد مخدر از امتیازات ناشی از جرم مشهود تبعیت نمی کند. گسترده شدن تحقیقات و اقدامات پلیسی پس از این مرحله تابع تشریفات قضایی و مستلزم دریافت مجوزهای خاص قضایی است.

رویه قضایی ایالات متحده در این رابطه متناقض است. برخی اوقات بازرسی بدون مجوز محتویات تلفن همراه از قاعده بازرسی پس از دستگیری متهم مستثنی اعلام شده است.^۱ این در حالی است که بازرسی تلفن همراه با الزامات ناشی از تلقی تلفن همراه به عنوان حریم خصوصی متصرف آن در تعارض است. لذا، پلیس ایالات متحده ملزم به اخذ مجوز جداگانه از

1. United States v. Wurie, 2013: 12.



مقام قضایی برای بازرسی تلفن همراه متهم پس از دستگیری وی است. لیکن، برخی از قضات ایالات متحده این استدلال را قبول ندارند. آنها معتقدند که هیچ تمایزی میان تلفن همراه با دیگر اشیاء حاوی اطلاعات وجود ندارد، چراکه ممکن است اطلاعات درون دیگر اشیاء مادی نیز همانند تلفن همراه شامل عکس، نوشته‌های خصوصی و اطلاعات شخصی باشد. لیکن، نوع اطلاعات ذخیره شده در تلفن همراه متفاوت از اطلاعات دفترچه تلفن است. اگر نوعی از تلفن همراه وجود دارد که قابلیت ذخیره اطلاعاتی بیش از اطلاعات دفترچه تلفن را دارد، دادگاه قائل به پذیرش این شرایط برای کلیه دستگاه‌های تلفن همراه نیست. کمالین که از حیث نظری امکان بررسی و تشخیص قابلیت‌های تلفن همراه و امکان تفکیک میان آن‌ها در زمان بازرسی وجود ندارد، تا این که از پلیس توقع داشت که در بازرسی از گوشی تلفن همراه به تشخیص خود تبعیض قائل شود و به بازرسی برخی از گوشی تلفن همراه نپردازد، در حالی که به بازرسی برخی دیگر از آنها بپردازد. از این منظر، پذیرش دلایل حاصل از بازرسی محتویات تلفن همراه متهم در دادگاه همانند پذیرش دلایل حاصل از بازرسی پس از دستگیری در دست‌نوشته‌های متهم است.^۱ البته، دسته اخیر از قضات معتقدند که میان محتویات مادی اشیاء و اطلاعات دیجیتالی ذخیره شده در گوشی تلفن همراه تفاوت اساسی وجود دارد، لیکن این مساله تاثیری در تلقی گوشی تلفن همراه به عنوان حریم خصوصی متصرف یا مالک آن ندارد.

۲) محدودیت بازرسی بدنی متهم از سوی پلیس ایران و ایالات متحده

قانون برای انعکاس واقعیت مبارزه با تهدیدهای نسبت به حریم خصوصی ناشی از تکنولوژی ذخیره اطلاعات تنظیم شده است (فیشرمن^۲، ۲۰۱۳: ۱۰۱۷). تلفن همراه به خاطر قابلیت ذخیره اطلاعات شخصی افراد مشمول تعریف رویه قضایی سابق از شی مادی دارای محتویات مادی نیست، بلکه بازرسی بدون مجوز تلفن همراه دارای ابعاد گسترده تری از بازرسی بدون مجوز در رویه قضایی سابق است (اورسو^۳، ۲۰۱۰: ۲۰۷). اهداف مدنظر قاعده بازرسی پس از

1. United States v. Gomez, 2011: 1134.
2. Fishman.
3. Orso.



دستگیری با بازرسی محتویات تلفن همراه متهم در همه موارد تامین نمی‌شود، مگر اینکه حسب مورد ضرورت بازرسی تلفن همراه متهم با جرایم مرتبط دیگر تحت تعقیب وی احساس شود. وگرنه زمینه بازرسی تلفن همراه برای جلوگیری از نابودی یا اخفاء دلائل مجرمانه احتمالی موجود در جرم مثلاً رانندگی در حالت مستی منتفی است. در چنین شرایطی، ارتباط میان جرم مشهود و ضبط تلفن همراه متهم برقرار نیست. ولو اینکه متهم در چنین شرایطی بازداشت شود و تلفن همراه وی ضبط شده باشد، اما نباید تا زمان کسب مجوز از مرجع قضایی ذیصلاح مورد بازرسی قرار گیرد. تلفن همراه در اختیار و کنترل پلیس است و بازرسی فوری آن چیزی را تغییر نمی‌دهد، صرف نظر از اینکه میان بازرسی تلفن همراه و جرم مشهود متهم هم ارتباط منطقی حاصل نیست. تلفن همراه، حریم خصوصی افراد است که باید از بازرسی پلیس بدون مجوز مخصوص مقام قضایی محفوظ بماند (کر^۱، ۲۰۱۳: ۴۰۴)؛ صرف نظر از این که پلیس دوره اقتدارگرایی را پشت سر گذاشته است و وارده دوره جامعه‌گرایی شده است. پلیس در دوره جامعه‌گرایی با افراد جامعه رابطه نزدیک دارد و به آموزش و آگاه‌سازی آنان می‌پردازد و آن‌ها را در حل و فصل منازعات و اختلافات محلی یاری می‌دهد (طالع‌زاری، گلدوزیان و ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۴۸). پلیس برای تحقق این اهداف ابتدا خود قانون را اجراء می‌کند و سپس، از دیگران نیز می‌خواهد به قانون احترام بگذارند. قانون شکنی پلیس در مواجهه با حریم خصوصی شهروندان و نادیده گرفتن الزامات رویه قضایی در این رابطه نقض غرض است.

پلیس ایالات متحده حق متوقف کردن شخص برای تحقیق و پرسش از وی را دارد (تری، اوهایو^۲: ۱۹۶۸: ۳۹۲). این حد از مداخله پلیس در آزادی‌های شهروندان مشمول بازداشت، دستگیری یا توقیف غیرقانونی نیست. صرف متوقف کردن افراد و پرسش پلیس از آنها نیازی به ارائه دلیل موجه خاصی از سوی پلیس در مراجع قضایی ندارد، منوط به اینکه مقدمات آن شامل شرح وظایف پلیس یا داشتن مأموریت خاص موید آن باشد. تحقیقات پلیس راجع به وقوع جرم یا مشخصات مظنونین یا جمع‌آوری اطلاعات در این ارتباط می‌توانند از دلایلی

1. Kerr.
2. Terry V. Ohio.



باشند که مستند متوقف کردن افراد و پرسش از آنها است. مدت توقف افراد در حد ضرورت و صرفاً تا پایان پرسش و تحقیق از آنان است. این وضعیت ناشی از رویه قضایی ایالات متحده است و قانون مشخص و دقیقی در این رابطه به جز متمم چهارم قانون اساسی ایالات متحده وجود ندارد. مفهوم مخالف متمم چهارم قانون اساسی مذکور واجد بی اعتباری بازرسی بدون دلیل موجه یا ظن معقول و حکم قضایی است. لیکن، پلیس ایالات متحده با اتکاء به وظیفه اصلی در کشف جرم و مبارزه با بزهکاری و حسب تجربه حرفه‌ای خود را در قیدوبند مقررات متمم چهارم قانون اساسی قرار نمی‌دهد. پلیس ایالات متحده به صرف متوقف کردن افراد به ظن متعارف ارتکاب جرایم رانندگی بدون گواهینامه، با سرعت غیرمجاز یا با گواهینامه ابطال شده، اقدام به بازرسی بدنی راننده متوقف شده قبل از شروع پرسش و تحقیق از وی می‌پردازد.

اما حق بازرسی بدنی راننده برای پلیس ایالات متحده پیش از آن که به منظور کشف جرم و دلایل موید آن باشد، بیشتر به منظور خلع سلاح شخص متوقف شده و حفظ امنیت پلیس از این طریق است. این در حالی است که بازرسی بدنی متهم که جرم مشهود وی کشف شده است، شاید با هدف جمع‌آوری دلایل مرتبط با جرم وی از جمله حمل سلاح بدون مجوز یا قاچاق مواد مخدر توجیه داشته باشد، لیکن بازرسی بدنی اشخاص عادی در حال رانندگی که پلیس آنها را به دلیل دیگر از جمله رانندگی با سرعت غیرمجاز متوقف کرده است، فاقد توجیه منطقی است؛ چراکه نمی‌توان هیچ رابطه‌ای میان جرم رانندگی با سرعت غیرمجاز و دیگر جرایم احتمالی برقرار کرد، مگر این که راننده بدون توجه به اظهارهای پلیس بر توقف از دست پلیس بگریزد و پس از تعقیب و گریز توسط پلیس متوقف شود و ظن قوی بر یافت شدن دلایل مجرمانه مانند اسلحه قاچاق یا مواد مخدر در خودروی متواری وجود داشته باشد. حال آن که در ایالات متحده تحقق این سلسله‌مراتب ضروری برای اقدام پلیس به بازرسی بدنی متهم و خودروی وی نیست. صرف وقوع یک جرم ولو کم‌اهمیت و غیرمرتبط با جرایم احتمالی کشف شده آتی برای دستگیری متهم و سپس، بازرسی تمام متعلقات در تصرف وی کفایت می‌نماید. وقوع جرم مشهود، مجوز دستگیری مرتکب آن است و مجوز دستگیری نیز مجوز بازرسی تمام متعلقات در تصرف یا کنترل وی بدون احراز ضابطه دیگر است. این



وضعیت با مجاز بودن حمل سلاح و احتمال آسیب وارد کردن به پلیس ایالات متحده تشدید می‌شود. پلیس تحت این شرایط خود را ذی‌صلاح در بازرسی تلفن همراه متهم می‌داند تا این‌که کل محتوی آن را برای حفظ دلائل مجرمانه بازرسی نماید، ولو اینکه ارتباط زیادی میان جرم مشهود موجب دستگیری با تلفن همراه وجود نداشته باشد.

پلیس ایالات متحده مجاز است تا دلائل احتمالی را از گوشی تلفن همراه متهم همانند دلایل موجود در کیف، دفترچه تلفن یا آلبوم عکس‌های خانوادگی وی استخراج کند (براون،^۱ ۲۰۱۴: ۵۶۷). این رویه بدون ضابطه‌ای خاص، دست پلیس را باز گذاشته است تا به محض دستگیری متهم به کنترل و بازرسی خودرو و تلفن همراه وی بپردازد. حال آن‌که ضروری است اولاً، بازرسی‌ها محدود به جرم منشاء دستگیری و با ظن قوی به یافت شدن دیگر دلایل مجرمانه مرتبط با آن باشد و ثانیاً، تصرف مستقیم متهم بر این اموال محرز باشد. بازرسی تلفن همراه و خودروی خارج از دسترس و کنترل مستقیم متهم جنبه قانونی ندارد، زمانی که دسترسی متهم در لحظه دستگیری و پس از آن به تلفن همراه و خودرو محتمل نیست تا متهم بخواهد دلایل مجرمانه را مخفی کند یا از بین ببرد. پلیس ایالات متحده به صرف وقوع جرم مشهود به دستگیری متهم می‌پردازد، بنابراین بازرسی وی از متهم در این شرایط باید محدود به مقتضیات همان جرم مشهود باشد. دلایل حاصل از هر نوع بازرسی فراتر از جرم مشهود منشاء دستگیری برای قضاوت مقبولیت ندارد. با این وجود، هیچ معیاری در اختیار پلیس ایالات متحده نیست تا این‌که به موجب آن تشخیص دهد در چه جرایم و تحت چه شرایطی به بازرسی اشیاء و محیط تحت کنترل مستقیم متهم بپردازد. این وضعیت باعث شده است تا پلیس ایالات متحده در کلیه جرایم به بازرسی اموال تحت تصرف متهم بپردازد، بدون اینکه مجوز قضایی جداگانه‌ای برای آن اخذ نماید.

ضرورت بازرسی تلفن همراه متهم پس از دستگیری وی قابل انکار نیست. تجربه پلیس و رویه دادگاه‌ها در بسیاری از موارد نشان داده است که احتمال وجود سرنخ‌هایی در لیست پیامک‌ها یا تماس‌های ورودی و خروجی گوشی تلفن همراه متهم به جرایم از جمله؛ قتل، سرقت و تجاوز به عنف وجود دارد. در جرایم خشن نیز معمولاً صوت یا فیلم‌های مرتبط

1. Brown.



با جرایم فعلی یا سابق متهم در گوشی تلفن همراه وی وجود دارد. در جرایم مواد مخدر نیز معمولاً سابقه تماس با مالک یا خریدار مواد مخدر وجود دارد. این موارد متفاوت از جرم رانندگی با گواهینامه ابطال شده یا رانندگی در حالت مستی هستند. لیکن، پلیس ایالات متحده میان این دو تمایزی قائل نیست. بر این اساس، پلیس معتقد است که بازرسی تلفن همراه نیازی به مجوز جداگانه غیر از مجوز دستگیری متهم ندارد (روسو،^۱ ۲۰۱۴: ۲۴۶۷). صرف دستگیری قانونی متهم کفایت از بازرسی خودرو و تلفن همراه وی می‌کند. از این رو، پلیس به هر اتهامی که افراد را متوقف کند، مجاز به بازرسی خودرو یا تلفن همراه وی است. این در حالی است که توجیه بازرسی خودرو و گوشی تلفن همراه تا جایی پذیرفتنی است که از آن به عنوان ابزار جرم استفاده شده باشد و پلیس هم فرد را به همان اتهام یا اتهام مشابه تحت تعقیب قرار داده باشد. در شرایط اخیر، بازرسی خودرو و محتویات تلفن همراه توجیه می‌شود، ولو این که خودرو و گوشی تلفن همراه در اختیار و تصرف پلیس قرار گرفته باشد. لیکن، سه راهکار برای حفظ اطلاعات و جلوگیری از حذف اطلاعات موجود در گوشی تلفن همراه متهم قابل تصور است: (۱) گوشی تلفن همراه خاموش و باطری آن خارج شود؛ (۲) گوشی تلفن در جایی قرار گیرد که ارسال و دریافت سیگنال ممکن نباشد و (۳) محتویات تلفن همراه در مرکز دیتای پلیس کپی و نگهداری شود. تحت این شرایط پلیس مجاز به بازرسی محتویات گوشی نیست، تا این که مجوزی جداگانه از مقام قضایی برای بازرسی تلفن همراه اخذ نماید. حقوق کیفری ایران و رویه پلیسی و قضایی آن از این وضعیت تبعیت می‌کند. مشابه این وضعیت در رابطه با خودرو نیز وجود دارد.

بازرسی بدنی و تلفن همراه متهم به جرم مشهود از هر نوع در حقوق کیفری ایران بنا به محدودیت‌های قانونی پلیس مقبولیت ندارد، مگر اینکه ضرورت ارتباط میان جرم مشهود و بازرسی در تلفن همراه متهم بدین جهت برقرار باشد یا اینکه پلیس ایران مأموریت خاصی از حیث زمانی و مکانی برای بازرسی داشته باشد. مانند جایی که پلیس مبارزه با مواد مخدر در جاده‌های بین‌شهری یا مبادی ورودی شهرهای بزرگ با داشتن مجوزهای خاص قضایی مرکز ایست بازرسی مستقر و خودروهای مشکوک را بازرسی کند، صرف نظر از اینکه آنها

1. Rosso.



در همان حین مرتکب جرم رانندگی در حالت مستی هم شده باشند یا نشده باشند؛ چراکه در این شرایط وقوع جرم مشهود احتمالی موضوعیت ندارد، بلکه مجوز قضایی باعث متوقف کردن و بازرسی خودرو افراد می‌شود. اشارات دقیق مقنن در مواد ۶۰، ۱۹۵ و ۱۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری موجب قاعده‌مند شدن رفتار پلیس در بازجویی از متهم و به طریق اولی در پرسش از افراد عادی است. لزوم بازرسی بدنی افراد از سوی پلیس ایران محدود به حفظ امنیت وی است، اعم از این که پلیس برای آن از امتیازات جرم مشهود یا حکم خاص قضایی استفاده کند. متوقف کردن افراد در موارد مشکوک و بازرسی بدنی آنها از سوی پلیس انتظامی ایران در گشت‌های درون شهری رایج است. لیکن، بازرسی بدنی این افراد از سوی پلیس تابع شرط دیگری از جمله ولگرد بودن متهم است که به پلیس اجازه داده است در این شرایط از امتیازات ناشی از جرم مشهود استفاده کند، وگرنه پرواضح است که کنترل متعلقات متهم در جرایم غیرمشهود در ایران تنها با مجوز قضایی میسر است (مهرا و محمودیان اصفهانی، ۱۳۹۶: ۳۳۵).

حق بازرسی بدنی برای پلیس در حقوق کیفری ایران بدون مجوز قضایی فقط در حوزه جرایم مشهود به دلالت ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری محفوظ است؛ ولو اینکه مقنن به صراحت به آن اشاره نکرده باشد. اشاره مقنن به تمام اقدامات لازم از سوی پلیس در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری شامل بازرسی بدنی متهم در جرایم مشهود است، مشروط به اینکه ارتباط میان اقدامات لازم پلیس با جرم مشهود ضروری احساس شود. بر این اساس نمی‌توان به طور کلی بازرسی تلفن همراه یا خودرو متهم را از سوی پلیس ممنوع اعلام کرد، لیکن پلیس در تمام جرایم مشهود هم مجاز به بازرسی خودرو و تلفن همراه متهم فراتر از حد لزوم و بی‌ارتباط با جرم مشهود یا مجوز قضایی نیست. شناسایی ارتباط میان جرم مشهود و ضرورت بازرسی خودرو، اماکن و متعلقات متهم دارای ماهیت قضایی و مسئولیت آن با مقام قضایی است که پلیس تحت نظارت و دستورات وی عمل می‌کند (برای مطالعه بیشتر در این رابطه ن.ک. تدین، ۱۳۹۵: ۲۶۹). کما اینکه اعمال ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مستلزم رعایت مقررات ماده ۴ همان قانون است که به نظارت مقام قضایی بر عملکرد پلیس در موارد مشابه اشاره دارد.



۳) قاعده رد ادله حاصل از بازرسی فرافانونی پلیس ایران و ایالات متحده

الزامات ناشی از حریم خصوصی مانع از هر نوع سوءاستفاده از اطلاعات و ارتباطات الکترونیک بر علیه کاربر آن است، مشروط به این که کاربران شبکه‌ها توانایی کنترل اطلاعات شخصی‌شان را داشته باشند؛ اگرچه این وضعیت حاکی از اهمیت دوچندان حمایت از حریم خصوصی الکترونیک افراد است. بازرسی حریم الکترونیک افراد مستلزم رعایت بایسته‌هایی است که چارچوب آن را قانون مشخص می‌کند و برای آن ضمانت اجرای مقرر در ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ۱۳۷۵) را در نظر می‌گیرد. لیکن، این به معنای ممانعت پلیس از ورود به این حریم در راستای کشف جرم و تعقیب آنها نیست. امنیت فضای مجازی منوط به جلوگیری از وقوع تهدیدها و نقض امنیت حریم الکترونیک، ولو در مسیر کشف جرم است. تحصیل دلیل مجرمانه از دو طریق فعالانه و غیرفعالانه میسر است (غلامی، موذن‌زادگان و حیدری، ۱۳۹۵: ۳۹) که از نظر برخی روش فعالانه به دو شیء منقسم است که نتیجه یکی از آنها، رد دلیل و دیگری، بطلان دلیل و نتیجه روش غیرفعالانه مطلقاً صحیح است (برای مطالعه بیشتر در این رابطه ن. ک. موذن‌زادگان و سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۴۷). قانون‌گذار اختیاراتی را برای عملیاتی شدن فرآیند کشف جرم به پلیس اعطاء کرده است. در این شرایط که زمینه برای تحدید حقوق و آزادی‌های افراد به بهای حفظ حقوق و منافع جامعه فراهم شده است، ایجاد تعادل میان این دو واجد اهمیت است. تحقیقات مقدماتی منجر به شناسایی و جمع‌آوری دلایلی می‌شود که سرنوشت متهم را رقم می‌زند. دلایل قابل استناد جمع‌آوری شده در فرایند تحقیقات کیفری به صورت قانونی و منطبق بر موازین دادرسی پیش‌زمینه تحقق دادرسی منصفانه و تضمین حقوق دفاعی متهم است. اصل مشروعیت تحصیل دلیل ضامن احترام به قانون در توسل به روش‌های کسب دلایل علیه متهم است. از دلایل غیرقانونی نمی‌توان انتظار شکل‌گیری محاکمه و محکومیت قانونی داشت.

کسب دلیل بدون رعایت تضمین‌های مقرر قانونی محکوم به بطلان است (کوشکی و سهیل مقدم، ۱۳۹۴: ۱۰۰). لذا، این دلیل بنا به قاعده بطلان دلیل منجر به اثبات جرم و



محکومیت متهم آن نیست. کمالین که قاعده بطلان دلیل^۱ حاکی از بی اعتباری دلایل حاصل از دستگیری ها، توقیف ها و تفتیش های غیرقانونی است (کامینسکی،^۲ ۲۰۱۰: ۲۶۹). قاعده بطلان دلیل در قلمرو دادرسی کیفری ریشه در رویه قضایی ایالات متحده دارد. این قاعده دارای اثر بازدارندگی است (دل کارمن،^۳ ۲۰۰۸: ۹۴)، چراکه در پرتو نظریه میوه درخت سمی^۴ دلیل کسب شده از طریق غیرقانونی منجر به بطلان محکومیت های مبتنی بر آن است (برای مطالعه بیشتر در این رابطه ن. ک. صبور پور، ۱۳۹۴: ۱۳۴). در حالی که پیش شرط محاکمه قانونی، تحقق معیارهای دادرسی عادلانه است، کشف، جمع آوری دلایل و ارائه و استناد به آن برای محکومیت متهم جلوه ای از دادرسی عادلانه است. ایراد به این فرایند، اساس محاکمه و محکومیت را زیر سوال می برد. دستگاه عدالت کیفری اگر نمی تواند از طریق مجاری قانونی به دلایل محکوم کننده متهم دسترسی یابد، نباید به هر وسیله ای توسل جوید که به اعتبار وی خدشه وارد کند. کمالین که هدف، وسیله را توجیه نمی کند. بر همین اساس، اگر حتی توقیف شخص توسط پلیس غیرقانونی باشد، بازرسی بدنی و دلایل حاصل از آن نیز غیرقانونی است. پلیس مامور به اجرای قانون است. بی تردید پلیس مسئول اجرای قانون از طریق خط مشی هایی است که از طرف حکومت به وی القاء می شود (مقدسی، میرزایی و عنی، ۱۳۹۷: ۱۹۱) و حکومت نیز انتظار رفتار فراقانونی از مامور خود ندارد.

بطلان پذیری دلایل حاصل از بازرسی فراتر از چارچوب قانونی در قانون آیین دادرسی کیفری ایران فاقد سابقه است. اگرچه برخی دلایل غیرمتکی به اصول علمی و عقلی را مورد وثوق نظام کیفری ندانسته اند (برای مطالعه بیشتر در این رابطه ن. ک. امیرزاده خیابانی و فرید، ۱۳۹۷: ۱۱)، لیکن به نظر می رسد صرف علمی و عقلی نبودن روش های کسب دلیل نباید منجر به بطلان آنها شود. کمالینکه اشاره مقنن در ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری فراتر از این قیود است. گزارش ضابط در صورتی که منطبق با اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه باشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تنظیم شده باشد، معتبر و قابل اتکاء

1. Exclusionary Rule.
2. Kaminski.
3. Del Carmen.
4. The fruit of the Poisonous Tree.



است، وگرنه حاکی از جریان قاعده بطلان دلیل برای گزارش‌هایی است که از چارچوب قانونی خارج هستند. تصریح مقنن در این ماده عبث و بی‌فایده است اگر قرار بر پذیرش تمام گزارش‌های ضابط، ولو موارد تنظیم‌شده بدون رعایت قوانین و انطباق با اوضاع و احوال باشد. در شرایط اخیر دیگر نیازی به تاکید ماده ۳۶ قانون مذکور نبود. از این رو، باید تبعیت مقام قضایی از دستورات این ماده قانونی در صورت عدم مراعات ضابط را به معنای جریان قاعده بطلان دلیل تلقی کرد، ولو این که هیچ مقرر دیگری بر اعتبار و کارکرد قاعده بطلان دلیل در قانون آیین دادرسی کیفری نباشد. رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر در پرونده‌های متعدد این موضوع را تایید می‌کند. شعبه ۶۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه شماره ۸۳۸۰۰۲۶۹۷۰۲۶۹۷۰۹۹۷۰۹۱۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۰۸ آورده است: «گزارش ضابطین محترم جزء ادله اثبات جرم محسوب نمی‌گردند و درستی این موارد باید در جریان دادرسی به اثبات برسد» (بانک داده آراء پژوهشگاه قوه قضاییه).^۱ همین شعبه در دادنامه شماره ۵۱۱۰۰۲۶۹۷۰۲۶۹۷۰۹۲۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۱۳ آورده است که «اعلام ضابطین به لحاظ این که محتمل صدق یا کذب است، محتاج رسیدگی و اقامه دلیل و اثبات موضوع است» (بانک داده آراء پژوهشگاه قوه قضاییه).^۲

علاوه بر این معیار تصریح شده در ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری که به ممنوعیت بازرسی اشخاص، اشیاء و اماکن غیرمرتبط با موضوع جرم و مجوز قضایی صادره شده پرداخته است، از شاخص‌های پیش‌روی پلیس ایران در بازرسی بدنی، اشیاء و اماکن در تصرف متهم است. در عین حال که ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها و بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود به استناد ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری منوط به اجازه موردی مقام قضایی است. با این وجود، در مواد ۵۵ و ۵۶ قانون مذکور اشاره دیگری به بطلان‌پذیری دلایل حاصل از بازرسی خارج از چارچوب مذکور نشده است. ناگزیر باید اطلاق ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری را به این موارد هم تسری داد، ولو اینکه اقدامات پلیس در این موارد مسبوق بر گزارش‌های تنظیمی وی باشد. در این شرایط که گزارش‌های وی منطبق

1. <http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=SIRRB0tnLzltUms9>.

2. <http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Showjudgement.aspx?id=UEZHYYTV5U1p2NkU9>.



با اقدامات غیر قانونی و از درجه اعتبار ساقط است، به طریق اولی اقدامات منشاء گزارش تنظیم شده نیز از وجاهت قانونی برخوردار نیست. در این شرایط، دادگاه کیفری ناگزیر است تا طبق قاعده رد ادله به بطلان دلایلی بپردازد که خارج از این چارچوب جمع آوری شده‌اند. در عین حال که قاعده رد ادله در حقوق کیفری و رویه قضایی از استحکام زیادی برخوردار نیست، لیکن ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری مستند بی توجهی مقام قضایی به گزارش پلیس و دلایل مستند آن است، زمانی که برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه است یا بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه نشده باشد.

در وضعیت مشابه، مقنن در ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری نیز با ضمانت‌اجراء مقرر در ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی بر بی اعتباری اظهارات متهم ناشی از اجبار، اکراه یا سوالات خارج از موضوع اتهام تصریح دارد. اگرچه جمع آوری دلایل بدون رعایت ضوابط قانونی واجد اهمیت کمتری از اجبار و اکراه متهم نیست، لیکن حداقل به اندازه بی اعتباری اظهارات متهم به سوالات خارج از موضوع اتهام می‌تواند مشمول قاعده رد ادله قرار گیرد. در عین حال این مساله با مقررات ماده ۵۷ قانون مذکور نباید خلط شود. مقررات ماده ۵۷ قانون مذکور واجد تکلیف برای پلیس در صورت مواجهه با ادله، اسباب و آثار جرم دیگر به هنگام بازرسی اماکن است، مشروط به اینکه جرم ثانوی تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه باشد. در این شرایط، حفظ ادله و تنظیم صورت‌مجلس آن جهت گزارش به مقام قضایی و عمل بر اساس دستور وی برای پلیس ایران الزامی است. تحت این شرایط به نظر می‌رسد جایی برای ابطال‌پذیری دلایل خارج از مجوز قضایی یا مرتبط با جرم اصلی وجود ندارد. در عین حال باید دقت کرد که مجوز مقرر در ماده ۵۷ قانون مذکور به معنای تجویز بازرسی‌های خارج از مجوز قضایی یا بی ارتباط با جرم مشهود برای پلیس نیست؛ چراکه محدوده جواز و تکلیف مقرر در ماده ۵۷ مذکور تنها شامل بازرسی‌های مجاز و دارای کشفیات تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است. در غیر این صورت، لازم می‌بود که مقنن به جای استفاده از این عبارت به «هر نوع کشفیات مجرمانه» اشاره کند. از این رو، مقنن خواسته است که با اشاره به موارد تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی، هم همه موارد مجرمانه غیر تهدیدکننده امنیت عمومی را مشمول این جواز قرار ندهد و هم از مداخله و کنجکاوای بیش از اندازه پلیس در



امور خصوصی مردم جلوگیری کند. لیکن، وضعیت اخیر با ابهام اعمال قاعده رد ادله در حقوق کیفری ایران توأم شده است که به دلیل عدم صراحت ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری با تردیدهایی جدی مواجه است.

نتیجه گیری

کشف جرم در الویت و وظایف دادسرا و پلیس است. لیکن، این مهم نباید به بهای نقض حریم خصوصی افراد بدون رعایت الزامات قانونی آن باشد. پلیس در توقیف و بازرسی بدنی یا اموال مردم در قلمرو جرایم مشهود یا مستند به قرار جلب و دستگیری متهم ممکن است الزامات حریم خصوصی آنها را نقض کند. این وضعیت تشدید می شود زمانی که پلیس با اتکاء به امتیازات ناشی از جرم مشهود وارد قلمرو جرایم غیر مشهود می شود و بدین خاطر حریم خصوصی متهم را در سایر حوزه ها نقض می کند. جواز بازرسی خودرو در کلیه جرایم رانندگی برای حفظ امنیت پلیس یا جمع آوری دلایل پنهان از منظر پلیس و همین طور بازرسی تلفن همراه متهم در صورتی که در وقوع جرم مشهود از آن استفاده نشده است، جلوه ای از نقض حریم خصوصی متهم است، اگر در قلمرو جرایم مشهود فراتر از مقتضیات آن یا مستند به قرار جلب و دستگیری متهم بدون تصریح مقام قضایی بر بازرسی بیشتر صورت گرفته باشد. رویه قضایی دیوان عالی ایالات متحده نسبت به نقض حریم خصوصی متهم از سوی پلیس تحت این شرایط به نحو واحد موضع گیری نکرده است، جز این که راه را برای رسیدگی ادعاهای ثانوی متهم بر نقض حریم خصوصی وی حسب قاعده رد ادله فراقانونی و تبرئه وی از کلیه اتهامات مبتنی بر دلایل غیر مجاز باز گذاشته است.

این وضعیت با ورود تلفن همراه به زندگی اجتماعی مردم دستخوش تحولات بیشتری هم شده است که در نوع خود بی سابقه است. عملکرد پلیس ایالات متحده در نقض حریم خصوصی الکترونیک متهم با اتکاء به نظریه های حفظ دلایل مجرمانه و حفظ امنیت پلیس نادیده گرفته شده است. مطالعه رویه قضایی ایالات متحده نشان می دهد قضات در اکثر موارد حفظ دلائل مجرمانه و حفظ امنیت پلیس را در الویت رسیدگی های قضایی شکایات مدعی نقض حریم خصوصی قرار داده اند. با این وجود، در برخی موارد دلایل مجرمانه جمع آوری



شده توسط پلیس را به خاطر نقض حریم خصوصی نپذیرفته‌اند. این رویه در بازرسی پلیس از تلفن همراه متهم مشتمت شده است. در عین حال که توقیف خودرو متهم در اکثر موارد به اتکای وقوع جرم مشهود رانندگی در حالت مستی یا قرار جلب و دستگیری متهم صورت می‌گیرد، لیکن این به معنای جواز ضبط و بازرسی تلفن همراه راننده بدون تصریح در قانون، قرار جلب و دستگیری یا مجوز جداگانه دیگر از مقام قضایی نیست. جرم مشهود مستند دستگیری مرتکب جرم است، لیکن بازرسی از وی و متعلقات در تصرف وی باید محدود به جرم مشهود منشاء و برای جمع‌آوری دلایل جرم مشهود و نه فراتر از آن باشد، مگر اینکه بازرسی تلفن همراه متهم به دلیل جرم مشهود دیگری ضرورت داشته باشد.

لیکن از یک طرف، جرم مشهود رانندگی با گواهینامه ابطال شده یا در حالت مستی با تلفن همراه متهم ارتباطی ندارد که جمع‌آوری دلایل مجرمانه ضرورت ضبط تلفن همراه و بازرسی محتویات آن را توجیه کند و از طرف دیگر، تلفن همراه متهم امنیت پلیس را تهدید نمی‌کند. تلفن همراه، اسلحه کشنده نیست و امنیت پلیس هم با عدم بازرسی محتویات آن معمولاً به خطر نمی‌افتد. با وجود این، پلیس ایالات متحده با اتکاء به قاعده بازرسی متهم پس از دستگیری وی به محض متوقف کردن راننده به اتهام جرم مشهود اقدام به بازرسی بدنی و ضبط تلفن همراه متهم و بازرسی محتویات آن می‌پردازد تا هم امنیت خود را خطرات ادعایی ناشی از تلفن همراه حفظ کند و هم دلایل مجرمانه بیشتر را جمع‌آوری کند. در حالی که دلیل جرم رانندگی در حالت مستی در تلفن همراه متهم نیست که ضبط و بازرسی آن ضرورت داشته باشد. پلیس ایالات متحده با توجیه حفظ امنیت خود دامنه بازرسی بدنی، خودرو و تلفن همراه متهم را حتی فراتر از دلایل مجرمانه جرم مشهود گسترش می‌دهد، ولو اینکه چنین زمینه‌ای وجود نداشته باشد. اگر خودرو به پارکینگ منتقل شده باشد و تلفن همراه متهم در اختیار پلیس قرار گرفته باشد، ضرورت حفظ دلایل مجرمانه یا حفظ امنیت پلیس در چنین مواردی مفقود است. از این منظر، رویه قضایی ایالات متحده حریم خصوصی الکترونیک متهم را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد، ولو اینکه پس از آن مجاز به نقض محکومیت‌های مبتنی بر آن به اتکاء قاعده رد ادله باشد.

لیکن، پلیس ایران در چنین شرایطی بدون مجوز جداگانه قضایی به بازرسی خودرو و تلفن



همراه متهم نمی‌پردازد، مگر این که پلیس ظن قوی به استفاده از خودرو یا تلفن همراه به عنوان ابزار وقوع جرم داشته باشد تا اینکه بتواند در پرتو اختیار کلیه اقدامات لازم به تفتیش و بازرسی آنها بپردازد. در این شرایط، دو مساله موید رفتار قانونی وی است. اول اینکه جرم با خودرو یا تلفن همراه مرتبط باشد و دوم اینکه جرم مشهود باشد یا اینکه مجوز قضایی خاصی برای جرم غیر مشهود در اختیار پلیس قرار گرفته باشد. این وضعیت نشان می‌دهد در حقوق کیفری ایران به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده در قانون آیین دادرسی کیفری برای پلیس به هنگام کشف جرم با مجوز خاص قضایی یا برخورد با جرایم مشهود به طور کلی تحت نظارت و کنترل مقام قضایی با چالش‌های کمتری مواجه است؛ چرا که پلیس ایران مجاز نیست در جرایم مشهود قلمرو بازرسی را به دیگر جرایم غیر مشهود احتمالی گسترش دهد، مگر اینکه ضمن بازرسی راجع به جرم مشهود اولیه به دلایل جرم دیگری برخورد کند که از منظر وی پنهان بوده است و مأموریت اصلی وی شامل آن نیست. شرایط جدید خود تابع شرایط جرم مشهود است که کشف و اعلام آن به مقام قضایی را ایجاب می‌کند. البته، در این شرایط ادعاهای احتمالی متهم به کشف و جمع‌آوری ادله جرم فراتر از اختیارات قانونی پلیس فراهم است. اگرچه دادسرا یا دادگاه‌های کیفری با قاعده رد ادله فرافقانونی سروکار ندارند، لیکن حسب مقررات آیین دادرسی کیفری مکلف به رسیدگی در رابطه با ادعاهای احتمالی راجع به صحت گزارش و دلایل جمع‌آوری شده از سوی پلیس هستند. کما اینکه رویه قضایی ایران نیز به همین سمت رفته است.

تشکر و قدردانی

از تمام عزیزانی که در امر داوری، ویراستاری و صفحه‌آرایی و انتشار این مقاله اهتمام ورزیدند، کمال تشکر و قدرشناسی را دارم. امید است که خداوند متعال بر توفیقات آنها در خدمت به جامعه علمی و اعتلای جایگاه پلیس جمهوری اسلامی ایران بیفزاید.



منابع:

فارسی

- امیرزاده خیابانی، علی و فرید، محمدامین (۱۳۹۷). اصل مشروعیت تحصیل دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلستان، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۱۱، ش ۳، صص ۱۱-۲۱.
- پورقهرمانی، بابک و صابر نژاد، علی (۱۳۹۴). حریم خصوصی در فضای سایبر از منظر حقوق بین الملل، تهران، انتشارات مجد.
- تدین، عباس (۱۳۹۵). تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، چ ۳، تهران، انتشارات میزان.
- تقوی فرد، محمدتقی، تقوا، محمدرضا؛ فقیهی، مهدی و جمشیدی، محمدجواد (۱۳۹۶). مقایسه تطبیقی قوانین حمایت از حریم خصوصی اطلاعاتی در ایران و کشورهای منتخب، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۴، ش ۸۹، صص ۳۰۱-۳۳۳.
- رضوی فرد، بهزاد و موسوی، نعمت الله (۱۳۹۶). محدودیت‌ها و راهبردهای صلاحیت در جرایم سایبری، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۱، ش ۹۸، صص ۱۰۲-۸۳.
- صالحی، جواد (۱۳۸۹). مولفه‌های امنیت اجتماعی در قوانین کیفری، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۷، صص ۹۵-۱۱۴.
- صالحی، جواد (۱۳۹۳). استفاده غیرمجاز پلیس از دستگاه ردیاب؛ جلوه‌ای از نقض حریم خصوصی در رویه قضایی دیوان عالی ایالات متحده و دستاوردهای آن، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ش ۸، صص ۱۶۱-۱۴۵.
- صبوری پور، مهدی (۱۳۹۴). قاعده رد ادله در حقوق ایالات متحده و مقایسه آن با ضمانت‌اجراه‌های مشابه در حقوق ایران، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۹، صص ۱۵۴-۱۲۹.
- عبدی پور، ابراهیم (۱۳۹۴). رویکرد نظام‌های حقوقی غربی و اسلام نسبت به نقض حریم خصوصی اطلاعاتی در شبکه‌های اجتماعی مجازی، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ۲، ش ۱، صص ۱۳۴-۱۰۹.
- غلامی، نبی‌اله؛ موذن زادگان، حسنعلی و حیدری، الهام (۱۳۹۵). رویکرد فعالانه در



- فرایند تحقیقات مقدماتی؛ مبانی و جلوه‌ها با نگرشی تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه و آمریکا، فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۱۸، ش ۷۳، صص ۳۵-۵۱.
- فتحی، محمدجواد و امیرحاجلو، فضل‌اله (۱۳۹۷). جلوه‌های دادرسی افتراقی قاچاق کالا (در پرتو اصول دادرسی منصفانه)، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، ش ۲، صص ۳۷۹-۳۹۹.
- طالع‌زاری، علی؛ گلدوزیان، ایرج و ابراهیمی، نصیبه (۱۳۹۷). کارکردشناسی تحولات پلیس در زمینه پیشگیری از جرم، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، ش ۱، صص ۱۴۵-۱۶۰.
- کوشکی، غلامحسین و سهیل‌مقدم، سحر (۱۳۹۴). تطبیق بازرسی و تفتیش در الگوی دادرسی ایران و آمریکا، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ش ۵، صص ۱۳۳-۹۵.
- مقدسی، محمدباقر؛ میرزایی، محمد و غنی، کیوان (۱۳۹۷). برنامه‌های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و رویه عملی پلیس ایران، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ۹، ش ۱۷، صص ۲۱۴-۱۸۷.
- مودن‌زادگان، حسنعلی و سهیل‌مقدم، سحر (۱۳۹۵). قاعده بطلان در دادرسی کیفری با تأکید بر حقوق آمریکا، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۳، ش ۲، صص ۲۶۷-۲۴۳.
- مهرا، نسرین و محمودیان اصفهانی، کامران (۱۳۹۶). الزامات حقوق بشری کشف جرم در نظام حقوقی ایران، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، ش ۲، صص ۳۵۶-۳۲۹.
- بانک داده آراء پژوهشگاه قوه قضاییه به آدرس:
<http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Search.aspx>

منابع لاتین:

- Brown, Patrick (2014). **Searches of Cell Phones Incident to Arrest: Overview of the Law as it stands and a New Path Forward**, Harvard Journal of Law and Technology, Vol. 27(2), pp. 563-586.
- Del Carmen, V. Ronaldo (2008). **Criminal Procedure: Law and Practice**, 8th



- ed., Wadsworth Cengage Learning Publishing.
- Fishman, S. Clifford (2013). **Searching Cell Phones After Arrest: Exceptions to the Warrant and Probable Cause Requirements**, Rutgers University Law Review, Vol. 66, pp. 995-1040.
 - Kaminski, W. Daniel (2010). **Concluded to Exclude: The Exclusionary Rule's Role in Civil Forfeiture Proceedings**, Seventh Circuit Review, Vol. 6, pp. 268-307.
 - Kerr, S. Orin (2013). **Accounting for Technological Change**, Harvard Journal of Law and Public Policy, Vol. 36, pp. 403-409.
 - Michael, M. Blane (2010). **Reading the Fourth Amendment: Guidance from the Mischief that Gave it Birth**, New York University Law Review, Vol. 85, pp. 905-931.
 - Orso, E. Matthew (2010). **Cellular Phones, Warrantless Searches, and the New Frontier of Fourth Amendment Jurisprudence**, Santa Clara Law Review, Vol. 50, pp. 183-224.
 - Parker, Eunice (2012). **Traffic Ticket Reasonable, Cell Phone Search Not: Applying the Search-Incident-to-Arrest Exception to the Cell Phone as "Hybrid"**, Drake Law Review, Vol. 60, pp. 429-496.
 - Rosso, Thomas (2014). **Unlimited Data: Placing Limits on Searching Cell Phone Data Incident to a Lawful Arrest**, Fordham Law Review, Vol. 82(5), pp. 2443-2472.
 - State v. Smith, 920 N.E.2d 956 (2009).
 - Terry V. Ohio, 392 U.S 1 (1968).
 - United States v. Gomez, 807 F. Supp. 2d (2011).
 - United State v. Smith, 920 N.E.2d (2011).
 - United States v. Wurie, 728 F.3d 1 (2013).
 - Weeks v. United States, 232 U.S. 383 (1914).